

هنر جرم‌انگاری

برهان خاطری^۱

چکیده

اهمیت و جایگاه قوانین کیفری به حدی است که ارزش‌های اساسی و واقعیات اخلاقی هر جامعه و کشوری را می‌توان در آن ملاحظه نمود؛ تا جایی که اگر کسی بخواهد در هر نقطه‌ای از جهان زندگی کند باید هنجارهای حمایت شده در قوانین جزایی آن سرزمین را فرا گیرد و در مسیر آن گام بردارد. قوانین جزایی در سراسر جهان مبتنی بر اصول و قواعدی هستند که حافظ حقوق اساسی بشرنند. شیوه تدوین و تقنین قوانین جزایی دارای حساسیت و متدهای خاص خود می‌باشد. قانون‌گذار قوانین کیفری باید بر اهمیت و جایگاه والای کار خود آگاه بوده و بیش از همه کوشش نماید تا قانون کیفری بدون هر گونه ایراد و اشکال در قانون نویسی و جرم‌انگاری تصویب گردد و اجرای آن برای مجریان قانون خالی و عاری از هرگونه ابهام و تردید باشد.

واژگان کلیدی: قوانین جزایی، جرم‌انگاری، ارزش‌ها، جرم و مجازات، کنترل جرم.

۱- دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه و رئیس شعبه اول دادگاه کیفری یک استان کرمانشاه

borhan57law@yahoo.com

<https://orcid.org/0000-0003-1869-6213>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۸

مقدمه

قوانین جزایی نماد زیباترین و تابناک‌ترین ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و آینه و جام جهان‌نمای فرهنگ و تمدن یک جامعه است. نمادی که هر ملتی جهت حفظ حریم و حرمت آن ناچار به توسل به ضمانت اجرا می‌گردد و مخاطب را با کلام باید و نباید به اجرای دقیق منویات آن هشدار می‌دهد. هیچ جامعه و مدینه فاضله‌ای یافت نمی‌شود که در آن قوانین و مقررات کیفری وجود نداشته باشد، چرا که در هر جامعه‌ای ارزش‌های مختلف با درجات تقدس متفاوت وجود دارد. قانون جزا، معیار تعیین و سنجش ارزش‌های بشری است. هدف اساسی و اصلی قوانین جزایی، ایجاد نظم و امنیت در جامعه و حفظ حقوق عمومی است. اهدافی چون سزای مجرم (هدف سنتی)، اصلاح بزهکار، بازاجتماعی نمودن وی (هدف مدرن)، ارباب بزهکار (پیشگیری فردی) و ارباب دیگران (پیشگیری عمومی) جلب رضایت بزه دیده و نهایتاً ترمیم و اصلاح نواقص حاصله از حدوث بزه در جامعه از جمیع جهات، از اهداف اختصاصی قوانین کیفری است. در این نوشتار بر اساس آموخته‌های تئوری و تجربیات کار قضایی، اصول و قواعد حاکم بر قوانین جزایی و نکات اساسی در جرم‌انگاری و تدوین قوانین جزایی ذکر و امید آن است که این نکات در قانون‌گذاری قوانین جزایی به کار آید.

۱- اصول و قواعد حاکم بر قوانین جزایی

قوانین جزایی اعم از قوانین ماهوی و شکلی و نیز فرآیند دادرسی‌های جزایی، بر مبنای اصول و قواعدی حاکمند که از اصول اولیه و بنیادین حقوق بشر محسوب می‌شوند که، برخی این اصول عبارتند از: اصل قانونی بودن جرم (هیچ عمل یا ترک عملی جرم نیست مگر در قانون بدان تصریح شده باشد). اصل قانونی بودن مجازات (هیچ مجازاتی اجرا نمی‌شود مگر آن که نوع و میزان آن از قبل در قانون مشخص شده باشد). اصل اباحه و آزادی بشر (انسان در اعمال خود آزاد است؛ مگر آن که به موجب قانون منع شده باشد). اصل عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی (قوانین کیفری به اعمال ارتکاب یافته در گذشته تسری نمی‌یابد). اصل شخصی بودن قوانین کیفری (هیچ کس به خاطر عمل شخص دیگر، مجازات نخواهد شد). اصل فردی کردن مجازات‌ها (کیفرهای تعیین شده در قوانین جزایی، متناسب با شخصیت و روحیات بزهکار اجرا می‌شود). اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی (چون اصل بر جواز بشر است، پس قوانین جزایی نباید موسع تفسیر شود). اصل تفسیر به نفع متهم (چون اصل آزادی بشر است؛ در حالت شک باید بر آزادی عمل تفسیر شود). اصل براءت (اصل بر درستی و خلاف قانون نبودن عمل بشر است).

اصل صحت (اصل بر بی گناهی و غیر مجرم بودن بشر است). اصل عدم سوءنیت (انسان فطرتاً پاک و فاقد نیت سوء است و در مقام شک، اصل بر غیر عمدی بودن جرایم است). اصل ابلاغ قوانین به کلیه افراد اجتماع یا نفی عقاب بلا بیان. چون جهل به قانون رافع مسئولیت نیست اقتضای اجرای عدالت آن است که قوانین جزایی در فرصتی معقول پس از تصویب و قبل از اجرا به اشخاص جامعه ابلاغ گردد. در کشور ما مطابق قانون، کلیه قوانین ظرف پانزده روز پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم الاجرا می گردند، مگر این که قانون گذار ترتیب دیگری اتخاذ نموده باشد. قاعده این است که در این مهلت کلیه آحاد جامعه از قوانین اطلاع یافته و خود را با اجرای آن تطبیق دهند، لکن در عمل این ابلاغ به طور صحیح و در مهلت مناسب انجام نمی گیرد. اصل علنی بودن محاکمات (مطابق قوانین دادرسی کیفری و اسناد بین المللی باید کلیه محاکمات کیفری جز در موارد استثناء به صورت علنی برگزار شود). اصل حضور هیات منصفه در رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی (جهت اجرای عدالت، جایی که حکومت خود شاکی است و نایب حکومت و دستگاه عدلیه رسیدگی می نماید).

اصل رعایت سرعت و فوری بودن در رسیدگی به پرونده های کیفری (جامعه بی صبرانه در انتظار مجازات افراد قانون شکن است). اصل رعایت دقت و ضوابط قانونی (دادرسی عادلانه مستلزم دقت و اجرای قانون و عدم تأثیر پذیری از هیجانات زودگذر است). اصل قاطعیت و حتمیت اجرای قوانین کیفری (این که مجرمی از چنگال حق و قانون فرار نکند و قوانین به طور یکسان و در مهلتی معقول و به شکل درست اجرا گردد از آمال حامیان ارزش های یک جامعه است).

اصل بی طرفی قضات (همه در برابر قانون برابرند). اصل مستند بودن احکام دادگاهها (باید مواد قانونی و مفهوم واضح آن در رای دادگاه قید شود). اصل مستدل بودن احکام دادگاهها (باید رای دادگاه موجه و با استدلال روشن و عامه پسند باشد).

اصل حق داشتن وکیل مدافع (وکیل اعم از انتخابی، تعیینی، اتفاقی، تسخیری و نماینده حقوقی است که در دادرسی های عادلانه از حقوق طرفین دعوی دفاع می نماید). اصل منع شکنجه و تفتیش عقاید (دلایل باید به صورت علمی به دست آید. متهم حق دارد سکوت کند و این به عهده شاکی و جامعه است که باید جرم او را ثابت کنند و متهم برای اثبات بی گناهی خود ملزم به ارائه دلیل و مدرک نیست. اندیشه و انکار و مقاصد انسانها باید مصون از تعرض باشد، اگر چه مجرمانه باشد).

۲- نکات اساسی در جرم انگاری و تدوین قوانین جزایی

قانون گذاری قوانین جزایی از مهم ترین وظایف دستگاه تقنینی کشور محسوب می شود که بیش از هر قانون دیگری باید کارشناسانه و با ظرافت و توجه همه جانبه تصویب و به شکل قانون درآید، چرا که عینیت بخشیدن به ارزش های جامعه و تحدید حدود آن از هر جهت دقتی مضاعف می طلبد.

۲-۱- دو کد پایه و اساسی در جرم انگاری (اصل اکثریت در حمایت از ارزش و قابلیت کنترل)

جرم شناسان و اندیشمندان حقوق جزا معتقدند قانون گذار قوانین کیفری باید در مرحله اول کدهای اساسی جرم انگاری را در نظر بگیرد، به این صورت که اولاً زمانی باید فعل یا ترک فعلی را جرم انگاری نماییم که برای اکثریت جامعه ارزشی قابل حمایت با ضمانت اجرا باشد. باید قریب به حداقل هشتاد درصد از مردم جامعه قانون گذار را به خاطر جرم انگاری آن عمل خاص تحسین نمایند و این مقدار از مردم جامعه از مجریان با شوق آن قانون و ارزش باشند. دوم این که این قانون در قالب حداقل هشتاد درصد قابلیت کنترل باشد، به نحوی که امنیت افراد جامعه به شکل محسوس توسط نیروهای مجری مخدوش نگردد و قانون نیز اجرا گردد. لذا ارزش بودن قانون کیفری برای اکثریت قریب به اتفاق افراد جامعه و نیز سهولت کنترل در اجرای آن برای ناظرین عمل به قانون دو کد پایه و اساسی در جرم انگاری است. نمونه خطای تقنینی در این قسمت جرم انگاری حمل و نگهداری دستگاه ویدئو در سابق بوده که فاقد هر یک از کدهای مذکور بوده است.

۲-۲- حذف فرصت تجری و گستاخی از ناقضین قانون

در صورتی که قانون گذار قوانین کیفری، پایه های اصلی جرم انگاری را، یعنی همان نظر اکثریت جامعه در خصوص و ارزش بودن قانون و قابلیت اجرایی داشتن آن را رعایت ننماید، این قانون موجب تجری و گستاخی مرتکب جرم و سلب آسایش جامعه خواهد شد. به عبارت دیگر اگر قانون گذار قانونی را تصویب نماید که هر یک از گزینه های (مقبولیت عامه) و (قابلیت کنترل) را نداشته باشد پیامد آن ناگوار خواهد بود. به عنوان مثال اگر قانونی هر چند از ارزشی مقبول حمایت نماید ولیکن قابل اجرا و کنترل نباشد برای جامعه خطرناک است چرا که با نقض آن قانون و عدم توان در کنترل و مجازات ناقضین قانون، فرد قانون شکن متجری و گستاخ می گردد و شکستن قوانین بهتر و ارتکاب جرایم سنگین تر برای وی و آسان می گردد. معروف است کسی که بر گناهان سبک و صغیره اصرار ورزد، مجال ارتکاب گناه کبیره، بیشتر و سهل تر برای وی فراهم می گردد.

در شرع اسلام و در باب (حق المارّه) آمده که «يجوز الاكل مما يمرّ به من ثمر الفواكه و الزرع بشرط عدم القصد و عدم الافساد. اما اصل الجواز فعلیه الاكثر.» (امینی و آیتی، ۱۳۹۲، ۱۹۲). خوردن چیزهایی از قبیل میوه‌ها و زراعت که از کنار آن‌ها عبور می‌شود به شرط آن که از روی قصد از کنارشان عبور نشده و افسادی نیز صورت نگیرد جایز است. اصل جواز خوردن مطابق نظر بیشتر فقها می‌باشد.

به عقیده نگارنده فلسفه حق الماره و جواز مذکور بر این مبنا بوده که چون در زمان گذر انسان پیاده در کنار باغ میوه، نفس غالب انسان‌ها اماره بر اکل از آن میوه‌ها می‌نماید لذا این امر به درستی منع نشده تا با حذف وصف گناه موضوع تجری را منتفی سازد.

نمونه حاضر در قوانین کیفری ما جرم موضوع قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب ۱۳۷۳ می‌باشد.^۱ این که موضوع و ارزش جرم انگاری در این قانون از حمایت اکثریت جامعه برخوردار هست یا خیر موضوع بحث نیست. اما در این که مهار جرم موضوع این قانون در عمل و اجرا با مشکل مواجه هست تردیدی نیست و در قالب اکثر، کنترل جرم مذکور بدون این که امنیت شهروندان را به نحو محسوس مخدوش نسازد، عملی نمی‌گردد. به عبارت دیگر هر اندازه موضوع و مورد جرم در قوانین جزایی به شخص و حریم خصوصی اشخاص قریب باشد به همان اندازه کنترل جرم دشوار می‌گردد و در این قانون چون موضوع جرم در منازل اشخاص است لذا مهار جرم با احتیاطات لازم و حساسیت همراه است و هر چقدر مجریان قانون بر اجرای دقیق و قاطع قانون محتاط بوده و صبر پیشه کنند، ناقضین قانون متجری تر می‌شوند. به موجب قانون مذکور استفاده از گیرنده از ماهواره جرم و دارای مجازات جزای نقدی و ضبط به نفع دولت است و بر همین اساس هم اکنون تمامی اشخاصی که از گیرنده از ماهواره در جامعه استفاده می‌نمایند در حال ارتکاب جرم می‌باشند! و کسی که در حال ارتکاب جرم و عملی باشد که ناقض حقوق جزا است از نظر جرم شناسی ارتکاب جرایم دیگر برای وی سهل تر می‌گردد و اما این تعارض بین دیدگاه مکلفین به مهار جرم و دیدگاه جامعه باید از سوی قانون گذار برطرف گردد.

۲-۳- پرهیز از متورم کردن قوانین کیفری

معروف است که قوانین کیفری باید به حدی باشد که، حتی عامی ترین افراد نیز، قوانین محدود کیفری جامعه خود را حفظ باشند. چون اصل بر آزادی بشر است لذا تا حد امکان و در حد ظرفیت جامعه باید از

۱- ماده ۹: استفاده کنندگان از تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه به مجازات جزای نقدی از یک میلیون تا سه میلیون ریال محکوم می‌گردند و ...

جرم انگاری پرهیز کرد تا دایره قوانین کیفری بی جهت متورم نگردد. نباید دایره قانون از دایره آزادی‌های بشر گسترده تر گردد. به عبارت دیگر چنانچه دایره قانون بیش از اندازه متورم گردد به همان اندازه از آزادی افراد کاسته می‌شود و در واقع اصل آزادی، قربانی تحریم و قانون گذاری می‌گردد و استثناء (قانون) بر مستثنی منه (آزادی) برتری می‌یابد. تکثر قوانین کیفری علاوه بر آن که نشان از بیماری یک جامعه است، پیامدهای دیگری نیز دارد که از جمله این پیامدها می‌توان به لوث شدن قانون، کثرت قانون شکنی، فقدان قدرت اجرایی کافی، اضمحلال حرمت قانون، عدم تشخیص قوانین لازم الاجرا برای افراد جامعه و غیره اشاره کرد. شایان ذکر است که در قرآن مجید، تنها برای پنج جرم (قتل عمد، محاربه، سرقت، زنا و قذف) مجازات تعیین شده است.

۲-۴- خیزش و تصاعد قانون از فرهنگ جامعه

قانون به مثابه درخت کهنسالی است که ریشه در عمق خاک داشته و با آب و خاک و گرم و سرد سرزمین خود آشناست. چنانچه درخت کهنسالی را از جای با ریشه برکنند و در جایی دیگر بکارند، این درخت نه تنها خشک خواهد شد بلکه روزی خواهد افتاد و خسارتی خواهد زد. قانون نیز به مثابه همین درخت کهنسال است که باید ریشه در عمق فرهنگ و عرف و عادات و ارزش‌های یک جامعه داشته باشد. چنانچه قانون یک جامعه و کشوری را برای جامعه و کشوری دیگر ترجمه و منتقل نمایند همان خسارت درخت خشکیده را خواهد زد و تأثیری در رشد و بالندگی جامعه نخواهد داشت. به عبارت دیگر قانونی که بیگانه از فرهنگ جامعه باشد تا ابد بیگانه و غریب و متروک خواهد ماند. لذا ترجمه قوانین دیگران و تقلید محض از قوانین سایر جوامع، دارای زبانی بیش از فواید آن است. نمونه آن، فصل مربوط به برات در قانون تجارت است که متروک مانده و علت آن ترجمه محض از قانون فرانسه است و یا نشر آگهی در روزنامه برای احضار متهم می‌باشد که هر روز در کلیه روزنامه‌ها هزینه زیادی صرف نشر آن می‌شود ولیکن کسی یاد ندارد که متهمی با احضار در روزنامه در مرجع قضایی حاضر شده باشد و این نیز ترجمه عینی از قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه است. این نکته مانع از تحقیق در حقوق تطبیقی و استفاده صحیح از آن نمی‌باشد.

۲-۵- تفکیک و مرزبندی دقیق قوانین شکلی و ماهوی

در حقوق جزا قوانین ماهوی بیانگر ماهیت اعمال مجرمانه و نوع و میزان مجازات تعیین شده برای آن عمل مجرمانه می‌باشد. اما قوانین شکلی بیانگر شیوه دادرسی و رسیدگی به جرم و صلاحیت دادگاه‌ها می‌باشد. به عبارت دیگر «قواعد کیفری ماهوی قواعدی هستند که اعمال ممنوع و درخور مجازات را

تعریف و در نوع یا میزان مجازات‌ها تغییری ایجاد می‌کنند یا در قواعد عمومی حقوق جزا بدعتی به وجود می‌آورند. برعکس قوانین شکلی قوانینی هستند که برای پیشگیری از اشتباهات قضایی و اعمال هر چه بهتر عدالت کیفری وضع می‌شوند و ناظر به قوانین آئین دادرسی کیفری (تعقیب متهم، تحقیق، محاکمه، اجرای حکم و...) به معنای وسیع کلمه اند.» (آشوری، ج ۱، ۱۳۷۸، ۱۵).

قاعده آن است که قاضی کیفری در قوانین ماهوی جزایی به جهت حاکمیت اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نیز برای جلوگیری از تضییع حقوق متهم، قانون را به طور مضیق تفسیر نماید. در حالی که چون فرض بر آن است که قوانین شکلی به نفع متهم است می‌توان به صورت موسع تفسیر نمود. همچنین تفاوت دیگر قوانین شکلی و ماهوی در آن است که قوانین ماهوی راجع به آینده است و عطف بماسبق نمی‌شود و این حاصل همان اصل جهانی قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است. اما قوانین شکلی و آئین دادرسی کیفری، چون فرض می‌شود در جهت بهبود جریان دادرسی کیفری و به نفع متهم وضع می‌گردد، در نتیجه باید فوری اجرا و در مورد پرونده‌های موجود نیز اعمال گردد. بنابراین قاعده معروف عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی، مربوط به قوانین ماهوی کیفری است و نه قوانین شکلی آن (آخوندی، ج ۱، ۱۳۶۸، ۶۰).

لذا قانون گذار باید دقت نماید تا مرزبندی قوانین شکلی و ماهوی به طور دقیق رعایت و از اختلاط آن پرهیز نماید. به عنوان مثال تعیین کیفر و اشاره به مجازات و موضوعات ماهوی در مواد ۱۶، ۱۰۵ و تبصره ۵ ماده ۱۸۸ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و مواد ۶۳، ۹۱، ۱۰۳، ۱۵۳، ۳۷۹، ۶۶۹ و ۶۷۰ از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و یا مواد ۱۷۶ و ۲۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ زینده قانون نویسی نیست، کما این که در قانون مجازات اسلامی (علی‌الخصوص در باب حدود و قصاص) و نیز در قانون مدنی، که هر دو از قوانین ماهوی می‌باشند به تشریفات دادرسی و رسیدگی دادگاه‌ها که قواعدی شکلی هستند پرداخته شده است.

۲-۶- تفکیک جرم از تخلف

جرم برخلاف تخلف معمولاً تعرض به ارزش‌های اصیل و اخلاقی و والای جامعه است و غالباً با عمد و سوءنیت خاص واقع و مجازات سنگین‌تر و دادرسی خاص در مراجع قضایی را می‌طلبد. اما خلاف و تخلف اعمالی سبک‌تر از جرم بوده و غالباً به شکل تقصیر (بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی) حادث و واقع می‌گردد و از سوءنیت خاصی که رعب و وحشت ایجاد نماید فاقد است و دارای سزای جزئی و غالباً به صورت جریمه و یا مجازات‌های اداری می‌باشد و رسیدگی به آن در

مراجع اداری و شبه قضایی انجام می‌گیرد. تفاوت‌های مذکور بین جرم و تخلف مستلزم تفکیک قوانین ماهوی و دادرسی آن‌ها از همدیگر است. ضمن آن که اشاره به تخلفات در قوانین ماهوی جزایی، بی‌جهت دایره این قوانین را متورم می‌گرداند. نمونه این تفکیک صحیح «آئین نامه امور خلافی» مصوب ۲۲ مرداد ۱۳۲۴ بوده که متأسفانه اجرای آن بنا بر دلایلی که بعداً ذکر می‌نمائیم متروک مانده است.

در قانون مجازات اسلامی و در قسمت تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده که در سال ۱۳۷۵ الحاق گردیده در فصل بیست و نهم به (جرایم ناشی از تخلفات رانندگی) اشاره شده، که انگار فرقی بین جرم و تخلف برای قانون گذار نامانوس بوده که بر همین اساس و ذیل همین فصل در مواد ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳ و ۷۲۴ به تخلفاتی اشاره شده که به نظر می‌رسد جای آن در قوانین جزای ماهوی زینده نیست و بهتر بود قانون گذار آن را در همان "قانون و آئین نامه تخلفات رانندگی" قید می‌نمود.

۲-۷- جرم انگاری اعمال فاقد قربانی

برخی معتقدند که جرایم بدون قربانی^۱ مادامی که به آزادی دیگران تجاوز ننموده و موجب اذیت و آزار دیگران نباشد (مثل خودکشی، اعتیاد، قمار و...) نباید جرم انگاری شود. چرا که هر آنچه بر سر این گونه افراد می‌آید اساساً نتیجه اعمال خودشان است و این افراد بنابر اراده خویش و آزادانه به آن پرداخته‌اند. مخالفان این دیدگاه ادعا می‌کنند که حکومت باید نقش نگهبان اخلاقی مردمی را که تحت اداره آن هست داشته باشد و بنابراین حق دارد که دست کم بعضی از این نوع فعالیت‌ها را غیرقانونی تعریف کند (گیدنز، ۱۳۷۴، ۱۶۲).

در خصوص مثال‌های فوق در قوانین کیفری ایران، اقدام به خودکشی و عدم توفیق در آن و یا معاونت در خودکشی جرم نیست لکن اعتیاد و قماربازی جرم می‌باشند. هر چند در سال‌های اخیر در خصوص جرم انگاری اعتیاد در ماده ۱۶ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر با نگاه بیمارگونه به معتاد، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است که نتیجه این مباحث، تصویب و اصلاح ماده ۱۶ از قانون جدید مبارزه با مواد مخدر، توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام بود که هنوز طرح دیدگاه‌های متفاوت در مورد آن ادامه دارد. در خصوص جرایمی چون شرب خمر و یا جرایم منافی عفت در صورتی که بدون عنف واقع شود، چون حق الله و از جرایم حدّی می‌باشند، دیدگاه مخالفی همچون مَث‌الهای فوق مطرح نشده است. هر چند عده ای معتقدند با تصویب ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری سابق و مواد ۱۰۲ و ۳۰۶ قانون جدید و شرط شدن شرایط خاص، برای ورود به تحقیق جرایم منافی عفت، دامنه ورود به این

1- Victimless crimes

جرایم محدود شده است، از جمله شرط تحقیق توسط قاضی، مشهود بودن جرم یا شکایت توسط شاکی خصوصی.

۲-۸- حاکمیت اصل قانونی بودن حقوق جزا

قوانین جزایی باید دارای چهارچوب مشخص و محدود و مرزبندی دقیق باشد به طوری که قضات دادگاه‌ها در عمل دچار تفسیر موسع نشوند. در قوانین تفسیربردار، زمینه خروج از عدالت در زمان‌ها و مکان‌های مختلف محتمل است. [اگرچه] طبیعت قانون کلی بودن است و قانون گذار هیچ وقت نمی‌تواند همه ارتباطات زندگی اجتماعی و نیازهای وسیع مردم را در قالب قانون بگنجاند، به نحوی که هر مسئله و هر مورد اختلاف را بتوان از عبارت صریح قانون گرفت (مدنی، ۱۳۸۶، ۱۵). لکن قانون گذار قوانین جزایی باید به هنگامه جرم‌انگاری به نحوی عمل نماید تا اتحاد و وحدت نظر تمامی قضات را در مورد مصداق و عناوین جرم ایجاد نماید. به عبارت دیگر قانون گذار باید اصل قانونی بودن جرم و مجازات را به نحوی سرلوحه عمل خود قرار دهد تا احتمال تخطی از این اصل جهان شمول را به صفر برساند و احتمال تفاسیر مختلف و متفاوت از قانون جزا را معدوم سازد.

نمونه عدم توجه به اصل مذکور در قانون تعزیرات وضع ماده ۶۳۸ می‌باشد.^۱ بدین شرح که ارتکاب علنی هر فعل حرامی را جرم‌انگاری نموده، که در خصوص عمل حرام دیدگاه‌های متفاوتی بین قضات و افراد جامعه و حتی علمای دین وجود دارد و همین اختلاف نظر منجر به صدور آراء متفاوت و نهایتاً تبعیض در اجرای عدالت و قوانین کیفری می‌گردد. به طوری که در خصوص یک عمل، یک قاضی در شهری متهم را تبرئه و قاضی دیگر در شهری دیگر متهم را محکوم می‌نماید. به عنوان مثال در خصوص موضوع روزه خواری نمونه آراء متفاوت فراوان است. همچنین ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نمونه دیگر از خروج قانون گذار از این اصل مبنایی می‌باشد. به موجب این ماده: «مرتکبان جرایمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.» لذا قانون گذار باید راه خروج از عدالت را در اجرای قوانین کیفری با دقتی وافر در درج جملات و کلمات قانونی مسدود نماید.

۱- هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم میگردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

۲-۹- تفکیک قوانین جزایی از قوانین مدنی

در یک تقسیم بندی و تعریف کلی قوانین جزایی شامل هرگونه بررسی و بحث پیرامون جرم و مجازات است، اما قوانین مدنی شامل هرگونه بررسی و بحث پیرامون خسارت و جبران و تعهد و ایفاء تعهد می‌باشد. بنابراین در حقوق جزا رشته‌های مختلف حقوق جزای عمومی، حقوق جزای اختصاصی، جرم شناسی، کیفرشناسی، آئین دادرسی کیفری، بزه دیده شناسی به طور کامل موضوع بررسی خود را جرم و مجازات و واکنش‌های مختلف در مقابل جرم از نگاه‌های مختلف قرار داده اند و در حقوق مدنی رشته‌های مختلف حقوق تعهدات، حقوق تجارت، حقوق ثبت، حقوق مالکیت معنوی، آئین دادرسی مدنی، حقوق مسئولیت مدنی و ... موضوع بررسی خود را خسارت و شیوه‌های جبران و انجام تعهدات قرار داده اند. به عبارت دیگر حقوق جزا و قوانین جزایی در مورد موضوعاتی ورود پیدا می‌کند که عملی از سوی افراد بشر با سوءنیت انجام گیرد و تنها در موقعی مجازات مصادق پیدا می‌کند که عملی با سوءنیت واقع شده باشد چرا که صرفاً سوء نیت، موجب رعب و هراس آدم‌ها را موجب می‌شود و در کیفرشناسی ما مجازات را برای رعب و هراس حاصل از سوءنیت وضع می‌نمائیم و هر زمان عمل بشر فاقد سوءنیت باشد، رعب و هراسی ایجاد نمی‌نماید و در نتیجه نباید مجازاتی برای آن وضع شود و صرفاً باید به جبران خسارت حاصله با روش‌ها و تمهیدات حقوق مدنی اقدام نمود. تنها استثناء این قاعده صدمه به جسم انسان است (فوت یا ضرب و جرح) که به جهت حرمت جسم انسان اگرچه غیرعمد هم واقع شود مرتکب علاوه بر دیه و جبران خسارت، مجازات هم می‌شود. لذا قانون گذار باید با نگرش به عنصر سوءنیت دامنه حقوق جزا را که مبنای ورود به بحث پیرامون خسارت و شیوه‌های جبران آن است تفکیک هنرمندانه نماید. با تعمیق در قانون مجازات اسلامی با موادی مواجهه می‌شویم که بحث آن به طور کامل از موضوعات حقوق مدنی و موضع خسارت و جبران آن است به عنوان مثال مواد ۵۰۹، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۴ و ۵۲۵ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ناظر به خسارت و از موضوعات حقوق مدنی است.

۲-۱۰- لزوم حصری بودن مصادیق عناوین جزایی

قانون گذار قوانین جزایی هنگام تعیین مصادیق هر جرم باید به طور دقیق آنچه را که مورد نظر دارد، بدان تصریح نماید و محدوده هر جرم و هر ماده قانون جزا را مشخص و تحدید حدود نماید. به کار بردن الفاظ و کلماتی چون از قبیل، همانند و نظایر این‌ها و ... در مواد قوانین جزایی جایز نیست. به عبارت دیگر قوانین کیفری نباید تمثیلی باشد و استفاده از قاعده وحدت ملاک و تسری به تشابهات و قیاس در

مورد قوانین جزایی مورد پذیرش نمی باشد. نمونه این موارد مواد ۵۸۳، ۶۰۸، ۶۱۷، ۶۲۱، ۶۳۷، ۶۴۷ و ۶۶۴ قانون تعزیرات است که قانون گذار، مصادیق جرم را به طور تمثیلی بیان نموده است.

۱۱-۲- لزوم همراهی تغییرات و اصلاحات قوانین جزایی با تغییرات در ارزش‌های جامعه و پیشرفت تکنولوژی

قوانین جزایی باید همزمان و همراه با تغییرات در ارزش‌های اجتماعی در زمان و مکان تغییر یابد و همچنین با پیشرفت تکنولوژی، قانون جزا باید با سیستم‌های جدید مطابقت یابد تا توان برخورد با مجرمین حرفه ای را داشته باشد. امروزه تغییر در ارزش‌های اجتماعی و نیز ارتقاء صنعت و تکنولوژی دارای سرعتی به مراتب بیشتر از گذشته می‌باشد که مساوی با همان سرعت در عالم بزهکاری نیز مجرمین حرفه ای و پیچیده تولید و آشکار می‌شوند که مقابله با این قبیل مجرمین نیازمند کارآیی و به روز شدن قوانین کیفری می‌باشد. قانون گذار باید جرایم جدید و به روز را شناسایی و برای درمان این دردهای جدید دارو و مجازات جدید تجویز نماید. نمونه هایی از قوانین جدیدالتصویب دستگاه قانون گذاری کشور ما که هر چند تا حدودی با تاخیر به تصویب رسیدند عبارتند از: قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸، قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶، قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲.

از طرفی، قانون جزا باید در مواردی که قبلاً عملی را جرم انگاری نموده و نحوه تغییر ارزش‌ها و پیشرفت تکنولوژی به گونه ای است که شرایط زمان تصویب را از دست داده است باید تغییر یابد. نمونه این موضوع جرم انگاری گرفتن فیلم یا عکس در استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه است که در سال ۱۳۷۵ در ماده ۵۰۳ قانون تعزیرات جرم انگاری شده است، این در حالی است که امروزه از طریق نقشه‌های راهنما و یا دوربین‌های ماهواره ای در موتورهای جستجوگر اینترنت به راحتی می‌توان تمام این اماکن را در هر نقطه ای از جهان مشاهده کرد.

۱۲-۲- وجود تناسب معقول بین جرم و مجازات

کیفر باید مناسب باشد تا قاعده بازدارندگی کیفر حتی قبل از ارتکاب جرم حفظ شود. ژرمی بنتام^۱ معتقد است که مجرم بر اساس یک نوع حسابگری و سودمندی جزایی مرتکب عمل مجرمانه می‌گردد و لذا باید مجازات را طوری تعیین کرد که فرد با بررسی و حسابگری در خصوص ارتکاب جرم به این نتیجه برسد که مجازات، سنگین تر از سود حاصله از ارتکاب جرم است و لذا از فکر خود پشیمان و نادم

۱- حقوقدان انگلیسی و از پرچمداران مکتب کلاسیک حقوق جزا.

گرد (خاطری، ۱۳۹۰، ۶۰). به عبارت دیگر باید در کنار سایر عناصر دیگر با اعمال مجازات مناسب هزینه جرم را افزایش داد و میان جرایم و مجازات‌ها تناسبی معقول برقرار نمود.

شاید نمونه عدم تناسب مجازات با جرم ارتكابی در مقایسه با سایر جرایم در قانون تعزیرات، جرم جرح با اسلحه جنگی و شکاری یا چاقو و امثال آن باشد که به موجب تبصره ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات مرتکب آن فقط به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد. این در حالی است که قانون گذار در همین قانون در ماده ۶۴۷ برای مرتکب فریب در ازدواج از قبیل داشتن تحصیلات عالی و امثال آن (مثل آن که یکی از زوجین که دارای مدرک دیپلم است خود را فوق دیپلم معرفی نماید که نسبت به جرم جرح با اسلحه مثلا بر اثر تیراندازی با اسلحه کلاشینکف بسیار خفیف تر است، مجازات شش ماه تا دو سال حبس معین نموده است و یا در ماده ۶۶۸ همین قانون برای جرم تهدید به دادن نوشته یا سند، حبس سه ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق پیش بینی نموده که این جرم نیز باز هم نسبت به جرم جرح با اسلحه، بسیار سبک تر است ولی مجازات آن شدید تر تعیین شده است.

۲-۱۳- پرهیز از تکرار مطلب در قوانین

جهت جلوگیری از افزایش بی مورد حجم مواد و تبصره‌های قوانین باید با دقت مضاعف از تکرار مطلب پرهیز کرد. به عبارت دیگر شان قوانین بالاتر از آن است که به اشتباه در مواد و تبصره‌های قانون متوجه تکرار غیرلازم شویم. با نگاهی به مواد ۶۹، ۱۱۶، ۱۶۹، بند الف ماده ۱۸۹، بند ۲ ماده ۱۹۹، ۲۰۸ و ۶۱۲ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، متوجه این سهو قانون نویسی خواهیم شد و در قوانین جدید نیز به عنوان مثال مفاد ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۴۸ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، علیرغم تصویب هر دو قانون در سال واحد، تکرار صریح مطلب می‌باشد.

۲-۱۴- توجه به امری بودن قوانین کیفری

قوانین کیفری متفاوت با قوانین مدنی، قوانینی امری و لازم‌الاتباع است و باید عاری از قوانین توافقی و جایز باشد و هر آنچه جرم بوده و مستحق مجازات باشد، رابطه تنگاتنگ با امنیت اجتماعی دارد و لذا توافق خصوصی افراد برخلاف آن پذیرفته نیست.

۲-۱۵- عامه فهم بودن قوانین کیفری

مخاطب اصلی قوانین، عموم مردم می‌باشند و لذا کلمات قانون باید برای عامه مردم قابل فهم بوده و از کلمات بیگانه و ثقیل پرهیز شود. در بررسی قوانین مصوبه، بر نامفهوم بودن برخی از اصطلاحات قانون برای مخاطبین اصلی آن پی می‌بریم. در برخی از موارد تفهیم برخی از اتهامات به متهمین مشکل و در

صورت به کار بردن عین اتهام و جرم ذکر شده در قانون، متهم بر عنوان اتهامی آگاه نبوده و چه بسا در دفاع نیز حقوق وی تضییع گردد. به عنوان مثال اتهام یا جرم قذف که به معنای نسبت دادن زنا یا لواط به دیگری است، اتهامی نامفهوم برای اکثریت مردم است. لذا شایسته است قانون گذار در بیان قوانین با زبان عامه مردم تکلم نماید.

۲-۱۶- بهره جویی از دکرترین حقوقی در تصویب قوانین

در زمان تصویب قوانین لازم است که قانون گذار از نظریات اساتید و علمای حقوق در رشته‌های متفاوت بهره جوید و حتی به جهت حساسیت قوانین کیفری لازم است تا از دیدگاه جامعه شناسان و دانشمندان علوم روان شناسی و تربیتی و علوم سیاسی و اقتصادی نیز استفاده شود. شایسته است تا از نظر مجریان قانون و ناظران و قضات دادگستری که بر کم و کیف قوانین و ضعف و کاستی‌های آن آگاهند استفاده شود. قضات دادگستری، وکلای دادگستری، اساتید حقوق و مشاوران حقوقی بیش از همه در مواد و تبصره‌های قانونی غور می‌نمایند و از معایب و مزایای قانون کاملا آگاهند. لوایح قانونی باید با اخذ نظر از آگاهان به قانون تنظیم و به تصویب برسد.

۲-۱۷- حساسیت به تمامی حروف و کلمات قانون کیفری

قوانین کیفری دارای حرمت و عزتی است که حاوی ارزش‌های یک جامعه بشری است. به کار بردن هر حرف و کلمه ای باید با حساسیت و توجه ویژه باشد و در نوشتن هر حرف و کلمات مواد و تبصره‌های قانونی باید دقت فراوان معمول گردد تا موجب ابهام و اجمال برای مجریان و ناظران قانون نشود. حتی حروف اضافه ای چون «و»، «یا» و ... باید کارشناسانه و با علم و ظرافت خاص در بین کلمات قید شود.

۲-۱۸- پرهیز از به کارگیری کلمات موهن

قانون گذار قوانین کیفری، مرجع احراز و تجلی بخش ارزش‌های مقدس جامعه است. شایستگی چنین مرجعی، دقت در استخدام کلمات قانونی و تحریر آن در متون قانون جزا است. عناوین اتهام توسط قانون گذار تعیین می‌شود و مصادیق هر اتهام در عمل و اجرا مشخص می‌گردد. لذا لزومی به تمثیل مصادیق موهن برخی از جرایم در قانون نیست. نمونه عدم رعایت این نکته در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مشهود بود.

۲-۱۹- عدم تعیین مجازات سنگین برای جرایم خرد

عدم تعیین مجازات‌های سنگین و شدید، که هیچ وقت اجرا نگردد بهتر از تعیین آن است چرا که عدم اجرای قانون لازم الاجرا موجب تجری بزهکاران خواهد بود. قانون گذار نباید متأثر از برخی حوادث خاص

و مقطعی و صرفاً بر اثر هیجانات اجتماعی یک حادثه، قوانینی تصویب کند که وجدان قضات از اجرای آن اکراه داشته باشد، قضات دارای وجدانی بیدار در قلب جامعه هستند و اجرای قانون باید هماهنگ با وجدان و فطرت آنان باشد و این ضرب المثل که «سنگ بزرگ علامت نزدن است» نباید در قوانین جزایی نمود یابد. هر چند عده ای صرفاً جنبه ارعایی مجازات‌های شدید تعیین شده را ملاک قرار می‌دهند. نمونه این موضوع در تعیین مجازات اعدام برای برخی از جرایم نه چندان سنگین موضوع قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور صمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶ بعد از ساخت فیلمی منتسب به یکی از بازیگران را می‌توان مشاهده نمود.

۲-۲- استانی یا منطقه ای شدن برخی از قوانین کیفری

در بسیاری از کشورهای جهان قوانین جزایی هر استان یا ایالت با استان و ایالت‌های دیگر متفاوت است و این به جهت تفاوت در فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی و حتی شرایط محیطی جوامع مختلف در یک کشور است. به همان میزان که آداب و منش مردمان بسیاری از کشورها متفاوت و در نتیجه قوانین جرم و مجازات آن‌ها متفاوت است، ممکن است در جوامع داخلی کشورها نیز به همین میزان اوضاع متفاوت باشد و لذا با این تفاوت نمی‌توان یک دارو و مجازات یکسان را برای تسکین دردها و جرایم تجویز کرد، بلکه لازم است قانون‌گذار در برخی موارد قوانین جزایی را منطقه ای نماید. به عنوان مثال قوانین مبارزه با قاچاق کالا، قوانین مبارزه با جرایم منابع طبیعی، قانون مبارزه با برخی از خشونت‌ها چنانچه متناسب با شرایط اجتماعی هر منطقه یا استان تصویب شود بهتر خواهد بود.

۲-۲۱- حفظ حرمت و حریم خصوصی افراد در قوانین کیفری

قانون برای ایجاد امنیت افراد جامعه است. آزادی افراد در سایه امنیت جلوه می‌یابد. اگر قانون امنیت برقرار نماید، برخورداری از آزادی نیز تضمین خواهد شد. در مواردی قانون می‌تواند هم امنیت و هم آزادی شهروندان را نقض نماید. نفوذ و سرکشی قانون در مواردی به حریم خصوصی افراد گاهی موجب ناامنی خواهد بود و در این زمان قانونی که ارمغان آن امنیت است به قانون موجب ناامنی تبدیل می‌شود. قانونی که در مفاد آن تفتیش و بازرسی بی جهت از منازل، اشیاء، اماکن، فضای مجازی و کنترل تلفن افراد و حریم خصوصی آنان را تجویز نموده و یا به سادگی از آن بگذرد، قانون امنیت‌آفرین جهت شکوفایی آزادی افراد، نخواهد بود.

۲-۲۲- توجه به اسناد و قوانین بین المللی

در زمان تصویب قوانین جزایی باید نگاهی به قوانین و اسناد بین المللی نیز داشت. به عنوان مثال، کشور ما به بسیاری از کنوانسیون‌های بین المللی پیوسته است و طبق ماده ۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷، این اسناد در حکم قانون است. مثلاً ایران به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون مبارزه با موادمخدر و داروهای روان گردان و بسیاری از معاهدات و اسناد بین المللی با تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان پیوسته است و حکم قانون داخلی دارد و لذا باید در تصویب قوانین جزایی این قوانین بین المللی نیز از حیث تقدم و تاخر و ناسخ و منسوخ و مفاد ارشادی آن‌ها، مدنظر قرار گیرد.

۲-۲۳- پرهیز از ایجاد اطلاع دادرسی تقنینی

اطلاع دادرسی به جرم، موضوعی است که خوشایند جامعه و دستگاه قضایی نیست اما در بسیاری از مواقع این اطلاع ناشی از شیوه قانون گذاری است، به نحوی که عدم حصول قطعیت آراء و تعیین مراحل چندگانه دادرسی و اعتراض، عدم تصریح و تعیین دقیق صلاحیت دادگاه‌ها، تعیین مهلت طولانی برای اعتراض و پژوهش به آراء قضایی، لزوم به نشر آگهی که تاکنون مراجعتی از سوی متهم یا محکوم علیه با نشر آگهی گواهی نشده از جمله عوامل اطلاع دادرسی تقنینی است.

۲-۲۴- داشتن رویکرد عدالت ترمیمی در قوانین کیفری

قوانین جزایی از دیدگاه نوین، باید شامل کلیه ظرفیت‌های لازم برای ترسیم و اجرای کامل علامت ترمیمی باشد به طوری که سیاست جنایی تقنینی باید مبتنی بر اصولی باشد تا همزمان که اهداف اربعی مجازات (ارباب فردی و عمومی) دنبال می‌شود، زمینه اصلاح و بازاجتماعی شدن مجرم، جبران خسارات جامعه، جبران خسارات همه جانبه بزه دیده و ترمیم لطمات خانوادگی قربانی و مجرم را در پی داشته باشد.

۲-۲۵- تفکیک قوانین لازم الاجرا از قوانین منسوخ و متروک

لازمه یک سیستم تقنینی کیفری، مشخص نمودن قوانین لازم الاجرا از قوانین منسوخ و متروک برای اجرای عدالت است. دستگاه قانون گذاری نیازمند واحدی فعال و پویا برای تنقیح قوانین و مقررات کیفری است.

۲-۲۶- لزوم ثبات قوانین کیفری

تغییر و اصلاحات پی در پی در قوانین، دارای هزینه‌ها و زیان‌های اجتماعی و اقتصادی فراوان است. به عنوان مثال تغییر تمام یا بخشی از قوانین جزایی مستلزم آموزش مجدد قضات، بررسی‌های دانشگاهی، تجدید چاپ کتب قوانین می‌باشد. شیوه آراء و رویه‌های ایجاد شده با تغییر قانون تغییر خواهد کرد.

۲-۲۷- دقت در شماره بندی مواد و تبصره‌های قانون

شیوه شماره گذاری مواد قانونی، یک هنر دیگر قانون نویسی است. در واقع آدرس مواد قانونی همان شماره‌های آن است که باید به نحوی باشد تا در کوتاه ترین زمان بتوان به آن مراجعه کرد. به عنوان مثال هم اکنون قانون تجارت که مصوب سال ۱۳۱۱ با اصلاحات سال ۱۳۴۷ است، شماره مواد آن به این شکل است که از ماده یک شروع می‌شود تا ماده ۲۰، مجدداً ماده یک شروع می‌شود تا ماده ۳۰۰ و باز ماده ۹۴ شروع می‌شود تا ماده ۶۰۰ و بسیاری از مواد دیگر در میان این مواد قانونی تاکنون حذف و هنوز ترتیب مواد اصلاح نشده است.

مشکل دیگر وجود مواد مکرر است. به عنوان مثال ماده ۶۲ و ۶۲ مکرر از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و یا ماده ۳ و ۳ مکرر از قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲ که مراجعت به قانون را با مشکل مواجه می‌سازد.

۲-۲۸- پلان و فهرست قانونی

قانون باید جامع، مانع و منظم بوده و عنوان با زیرنویس همخوانی داشته باشد. برخی از قوانین ما که توسط روزنامه رسمی منتشر شده پلان دارد و برخی پلان ندارد. به عنوان مثال قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ فهرست نداشت ولی قانون آئین دادرسی مدنی فهرست دارد. بهتر است قوانین حجیم دارای فهرست باشند. در فصل یازدهم قانون تعزیرات از مواد ۵۸۸ تا ۵۹۶ تحت عنوان ارتشاء و ربا و کلاهبرداری قید شده در حالی که در زیر فصل آن، هیچ بحثی از جرم کلاهبرداری و حتی جرم مرتشی نشده است.

۲-۲۹- پرهیز از تمدید مهلت قوانین آزمایشی

نبود قوانین قطعی و جازم تصویب شده، فرصت مطالعه دقیق و تحلیل حقوقی از حقوقدانان و قضات و کلا را خواهد گرفت. جامعه حقوقی انتظار دارد که قانون گذار قانون را به صورت قطعی و یا پس از پایان دوره آزمایشی تکلیف آن را معین نماید. نمونه عدول از این قاعده توسط قانون گذار، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بود که برای پنج بار به صورت آزمایشی تصویب و تمدید شد.

۲-۳۰- جلوگیری از متروک شدن مجازات‌های جریمه با تورم اقتصادی

مجازات جریمه و جزای نقدی یکی از مهم‌ترین مجازات‌های امروزی در قوانین جزایی است. در صورتی که جامعه دچار تورم اقتصادی شود مجازات‌های جزای نقدی به مرور به درجه ای می‌رسند که تعیین آن برای کیفر جرم تناسبی نداشته و بازدارنده نیست. لازم است قانون‌گذار به این مهم توجه نموده و راهکار لازم برای بازبینی میزان جرایم در هر سال یا هر چند سال را پیش‌بینی و بدان عمل نماید. هرچند در قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸ در ماده ۵۳ آن و ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار به این نکته که در قوانین قبلی نبود توجه نموده است.

۲-۳۱- انتخاب دقیق و صحیح عنوان قانون

در پیشوند برخی از قوانین، کلمه طرح یا لایحه بعد از نهایی شدن قانون و انتشار آن در روزنامه رسمی نیز تکرار شده در حالی که طرح یا لایحه متعلق به زمان قبل از تصویب قانون است و بعد از طی فرآیند قانون‌گذاری، طرح یا لایحه به قانون مبدل گشته و قید طرح یا لایحه در عنوان قانون تصویبی اشتباه است. مثل لایحه قانونی مربوط به پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ که عنوان قانون نیز همین است. در مواردی نیز که قانون چند بار اصلاح شده در عنوان قانون، چند کلمه اصلاح وجود دارد که نامزین است. مثلا قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳ تصویب و در سال ۱۳۸۱ اصلاح و مجدداً با حذف شعبات تشخیص اصلاح و در اصلاحیه نهایی عنوان قانونی به این شرح شد: قانون اصلاح قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب!

۲-۳۲- انتشار و اطلاع‌رسانی دقیق قانون

در فرآیند قانون‌گذاری بعد از تصویب طرح یا لایحه در مجلس، مصوبه به شورای نگهبان ارسال و این شورا ظرف ده روز باید نظر دهد و با ارسال برای رئیس‌جمهور ایشان باید ظرف پنج روز امضاء نماید و بعد از انتشار ظرف پانزده روز قانون لازم‌الاجرا می‌شود. تعیین مهلت بیشتر از ده روز و پنج روز تا لازم‌الاجرا شدن قانون، برای اهمیت اطلاع‌رسانی و آگاهی مردم از قوانین است. لذا لازم است که روزنامه رسمی به تعداد آحاد مردم منتشر و به دست آنان برسد، چرا که از طرفی عقاب بلابیان قبیح است و از طرفی جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست. حتی در عصر ارتباطات و روابط امروزی آگاهی مردم سایر کشورها نیز خالی از فایده نیست.

نتیجه گیری

اهمیت والای قوانین جزایی مستلزم آن است که قانون گذار در تدوین آن به تلاش و دقتی وافر متوسل و کلیه معیارهای قانون نویسی و را رعایت نماید. توجه به قواعد و ضوابط جرم انگاری نیز در تدوین قوانین کیفری، امری لازم و ضروری قلمداد می‌گردد. با بررسی قوانین کیفری ماهوی و قوانین کیفری شکلی در سال‌های اخیر، نشان از آن دارد که بسیاری از الزامات قانون نویسی قوانین کیفری رعایت نشده و این امر موجب ایجاد ابهام برای مجریان قانون و با تفاسیر مختلف باعث اجرای چندگونه عدالت کیفری گردیده است. در برخی موارد موضوعات جرم انگاری شده به نحوی بوده که به علت عدم حمایت از ارزش‌های جامعه، قانون متروک مانده و حتی موجب تجری و گستاخی گردیده است.

جرم انگاری، مستلزم استفاده از نظر کارشناسان مختلف در حوزه‌های جامعه شناسی، جرم شناسی، علوم قضایی، علوم سیاسی، روان شناسی، اقتصاد و ... می‌باشد. علاوه بر آن نگارش قانون و ادبیات قانون کیفری نیازمند توجه و دقت فراوان است تا جامعه و تابعان حقوق کیفری از هر جهت آن را کارشناسانه و برای اجرای آن حرمت قائل شوند. نهایتاً آن که قانون گذاری قانون کیفری و تعیین جرم و مجازات فرآیندی خطیر و دقیق بوده که تحت عنوان «هنر جرم انگاری» تعبیر می‌شود.

منابع

- آشوری، محمد، ۱۳۷۸، **آئین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
- آخوندی، محمود، ۱۳۶۸، **آئین دادرسی کیفری**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امینی، علیرضا و سیدمحمدرضا آیتی، ۱۳۹۲، **تحریرالروضه فی شرح المعه**، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- خاطری، برهان، ۱۳۹۰، **فرآیند تکوین جرم**، چاپ دوم، تهران، انتشارات خرسندی.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۴، **جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ دوم، تهران، انتشارات نی.
- مدنی، سیدجلال الدین، ۱۳۸۶، **رویه قضایی**، چاپ هفتم، تهران، انتشارات پایدار.
- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷
- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
- قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب ۱۳۷۳
- قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸
- قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
- قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲
- قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲
- قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶
- قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور صمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶
- قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲